



هیچ کس ابن هیچ کس



*
بدرالسادات شاهرزایی

گذارد. وی که بیست و پنج سال دوم زندگانی خود را در کشورهای چون آمریکا، آفریقا و جمهوری ارمنستان سپری کرده است، شاهد فقر شدید معنوی، لجام گسیختگی اخلاقی، یأس و ناامیدی، منفی‌گرایی و جنایات غیر قابل تصور در دنیای صنعتی بسیار غنی مادی غرب و شرق بوده، درصدد برمی آید تا با ترجمه این اثر، به احیاء و اشاعه فرهنگ غنی اسلامی پرداخته، فقدان چنین آثار ادبی - عرفانی را در جهان غرب بهبود بخشیده و آنان را از معنویت و مستی عرفانی بهره‌مند سازد.

آبرامیان با قلبی شیوا و روان مضامین عارفانه اشعار بوسعید را در قالب گلچینی از رباعیات، برگرفته از کتاب عارفانه، جامی از اقیانوس بیکران عرفان^۳، نوشته رضا معصومی - با ذکر شماره رباعی بیان کرده است. وی در معرفی اثر خود در مقدمه کتابش چنین می‌گوید:

«این کتاب مختصر، شامل ترجمه ابیاتی از اشعار یکی از شاعران صوفی است که بعنوان سلطان العارفین، شیخ ابوسعید ابی‌الخیر شناخته می‌شود. فرهنگ ایران، اشعار صوفیان را در قلب خود بسیار عزیز می‌دارد. این ادعاشاید خیلی هم گزافه نباشد که این فرهنگ در مجموع مبتنی بر یک جهان بینی و ایدئولوژی صوفی منساز است.»

ایشان در ادامه معرفی این اثر در جایی دیگر^۴، از نحوه برگرداندن ابیات به انگلیسی سخن می‌گوید و چنین اعتراف می‌دارد که ترجمه کاری است نا ممکن و ترجمه اشعار عرفانی امری است نا ممکنتر! بنابراین از آنجا که ایشان در ارائه این کار به انتقال مفاهیم و مضامین و محتوای پیام ابیات به زبانی دیگر پرداخته و از ترجمه واژه به واژه و لفظ به لفظ

کتاب **هیچ کس ابن هیچ کس**^۱، برگزیده‌ای است مشتمل بر ۱۹۵ رباعی از دیوان رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر، شاعر شافعی مذهب و عارف نامدار اهل تصوف در قرن چهار و پنج هجری (۳۵۷ - ۴۴۰) / دهم میلادی^۲. ورژ آبرامیان پس از انتخاب اشعار در برگرداندن این اثر به انگلیسی همت گمارد^۵ و انتشارات ههم در آمریکا آن را به چاپ رساند.

انتخاب طرح روی جلد این اثر شایسته و درخور تحسین است. مسعود منصوری طراح روی جلد این اثر، علاوه بر آوردن یک رباعی از رباعیات بوسعید، جلوه‌ای از هنر مینیاتور و خوشنویسی ایرانیان را به نمایش گذاشته است. آبرامیان نیز همین رباعی را در صفحه ۱۲ همین کتاب به انگلیسی برگردانده است:

ایزد که فلک بقبضه قدرت اوست

دادست ترا دو چیز کان هر دو نکوست

هم سیرت آنکه دوست داری کس را

هم صورت آنکه کس ترا دارد دوست

Your creator, the Lord of all Creation, has given you two gifts, both sought after by all creatures

Your heart, the capacity to Love,
The light on your face,
the potential to be loved.

بیست و پنج سال نخست زندگانی آبرامیان در خانواده‌ای ارمنی - مسلمان به او آموخته تا نسبت به هر دو دین احترام

* کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی.

خودداری نموده است، نام برگردان «rendition» را برای نتیجه تلاش خود به جای واژه ترجمه «translation» بر می‌گزیند. وی معتقد است زبان فارسی بطور کلی نمی‌تواند بعنوان زیباییکه براحتی با ترجمه انگلیسی منطبق گردد مطرح شود. هدف آبرامیان با ارائه این کار، کم ارزش دانستن یک سنت که محصول آن افرادی نظیر «با یزید بسطامی»، «عطار»، «شمس» و «جلال الدین رومی» هستند، نیست؛ بلکه در دسترس قرار دادن منتخب انگلیسی کوچکی از پاکترین بیانات در خصوص معنویت بشری برای خوانندگان در سطح جهان است. او انگیزه اصلی خود را برای انجام چنین کاری، رسیدن به یک مستی الهی و عارفانه می‌داند و تقرب به ذات لایتناهی و آن وجود بنیهای است که او را بر آن داشته تا در این زمینه تلاش کند.

در پشت جلد همین کتاب، شهرام شیوا که به عنوان مترجم دیوان جلال الدین رومی معرفی شده است، اثر «هیچ کس این هیچ کس» را چنین معرفی کرده است:

فرهنگ و زبان فارسی همواره میزبان شعرای عارفی بوده که توان روحانی والایی داشته‌اند و موهبتی از جانب خداوند بوده‌اند. آگاهی تدریجی جهان غرب با افسونگری و نیروی سحر بسیار هنرمندانه نخبگانی چون رومی و حافظ موجب پذیرش آنان و باز شدن راهی برای قبول افراد بیشتری از این

مردان اهل دل می‌شود؛ مردانی چون شاعران شیرین سخن شیراز و خراسان که گوهر عشق و درهای دانایی را با دیگر مردمان جهان قسمت می‌کنند. در کتاب «هیچ کس این هیچ کس» ورژ آبرامیان، چنین قصدی داشته است. این اثر، تلاشی است شفاف، صادقانه و بسیار خالصانه در جهت معرفی یکی دیگر از برجستگان عارف فارسی. هر کس که کتاب رومی را خوانده و دوست داشته باشد، بی‌شک از شخصیت ابوسعید ابوالخیر لذت خواهد برد.

آبرامیان در پیشگفتار کتاب

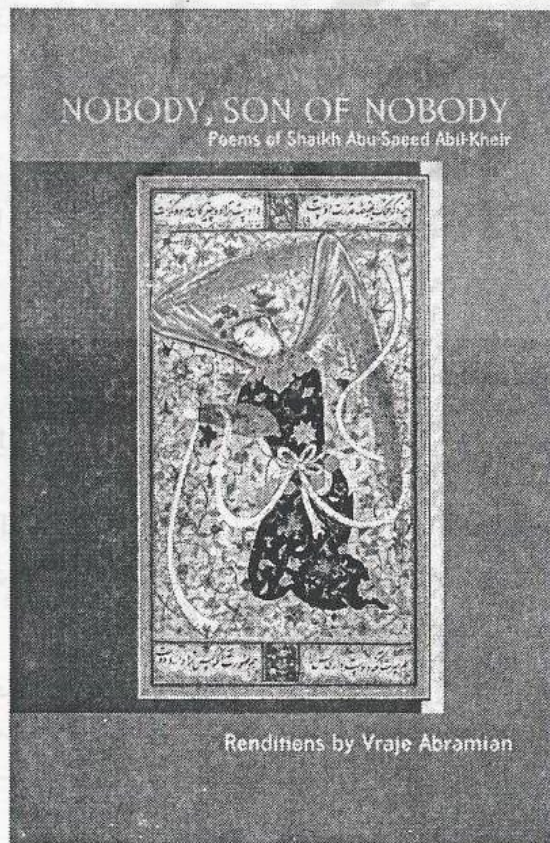
پیش از معرفی شخصیت و بیان حالات بوسعید، درباره عقاید صوفیان چنین می‌گوید: صوفیان در نظر کسانی که به تعالیم آنان معتقدند سند زنده‌ای از حضور ابدی هستند. آنان معتقدند بشر قادر است پیوستن و اتصال به نیروی بی‌نهایت که فراتر از قلمروی آگاهی محدود بشری است را تجربه نماید. چنین تجربه‌ای شخص را از وضعیت محصور در محدودیتها و نگرانیهای خود محوری به هویتی که حضور بنیهای را می‌شناساند و در بخشی از آگاهی ناخودآگاه او قرار دارد منتقل می‌نماید.

آبرامیان؛ بوسعید را فردی می‌داند که با آن وجود بنیهای مرتبط و یک شخص «آزاد» است. او ادعا می‌کند که این آزادی به فرد امکان می‌دهد که با تجربه شخصی و نه با کتب و گفته‌ها، دو نکته اصلی را برای همیشه نزد او روشن سازد: اول درک حقیقت و پذیرش مرگ و دوم تلاش برای گذران زندگی تا آخرین مرحله آن. این تجربه شخصی در خصوص «وجود بنیهای» موضوع مرگ را برای فرد تا حد تلقی آن بعنوان یک تغییر محض (و نه نابودی کامل) مطرح می‌سازد و باعث می‌شود شخص طعم وضعیت بودن و نبودن را حس کند بطوریکه تحریک می‌شود تا در جهت کسب آنچه زندگی‌اش را ارزشمند می‌سازد کوشش نماید.

اوج اندیشه ابوسعید را می‌توان در تفکر فنای فی الله و

بقای الله مشاهده کرد. عطار نیز در تذکرة الاولیاء بوسعید را فانی مطلق و باقی بر حق می‌خواند که اشاره به بقای بعد از فنای اوست. در چنین مقامی ابوسعیدی در میان نیست و هرگفتار و کرداری از او صادر می‌شود، گفتار و کردار حق است.^۵ او که به عمق هیچی انسان در مقابل عظمت و شوکت حضرت دوست پی می‌برد از همراهانش می‌خواهد تا در محافل و مجالس او را هیچ کس این هیچ معرفی کنند و چنین می‌گوید: زیر این خرقة چیزی جز خدا نیست. مرا «هیچ کس این هیچ کس» بخوانید.

بنظر بنده، بوسعید با معرفی خود



times, come back.

نمونه ۲

با تأمل در زندگینامه و آثار و سخنان ابوسعید به این نتیجه می‌رسیم که بوسعید «کسی» خود را در «هیچ کسی» و اندیشهٔ فناء فی الله و بقاء بالله یافته است. این بن‌مایهٔ اندیشه عرفانی در سروده‌های زیر بوضوح مشخص است:

عارف که ز سر معرفت آگاهست
بیخود ز خودست و با خدا همراه است
نفی خود و اثبات وجود حق کن
این معنی لا اله الا الله است

69. The one who knows the secret
is freed from his self and lives in the company
of the Beloved

Negate your own existence, negate the self
and declare the Being of the Beloved
This is What La-ilaha-illallah means.

نمونه ۳

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت
نامیست ز من بر من و باقی همه اوست

65. Love came and emptied me of self,
every vein and every pore
made into a container to be filled by th
Beloved.

Of me, only a name is left.
the rest is You my friend, my Beloved.

پی‌نوشتها

1. NOBODY, SON OF NOBODY Poems of shaikh
Abu-Saeed Abil-Kheir/Renditions by Vraje Abramian /
HOHM PRESS

۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی و نیز رک: مجموعه مقالات سمینار ابوسعید ابوالخیر ص ۵۱.
۳. رضا معصومی؛ عارفانه، جامی از اقیانوس بیکران عرفان، انتشارات اشاره، تهران. ایران. ۱۹۹۱.
۴. رجوع شود به مجله آینهٔ میراث، سال چهارم، ش ۱۴، بخش نامه‌ها.

۵. رک مجموعه مقالات سمینار ابوسعید ابوالخیر، ص ۲۸.
۶. داستانهایی که در این اثر آمده از کتاب گرانمایه‌ای که در مورد شیخ ابوسعید است اقتباس شده است. عنوان این کتاب؛ «زیر خرقهٔ صوفی: داستانهایی از ابوسعید و تعالیم عارفانه‌اش» نوشته آقای م. جم‌نیا و خانم م. بیات که در سال ۱۹۹۵، با مجوز انجمن بین المللی نویسندگان منتشر شده است.

با این عنوان، آبرامیان را هدایت می‌کند تا مناسبترین و بهترین نام را برای اثر خود برگزیند.

اگر چه اشعار بوسعید خود معرف صفای باطن، صداقت، بلاغت، محبت و شفقت او نسبت به خلق و خلق اسلامی اوست و برونگرایی او را در بیان ابراز احساسات و هیجانات و حالات وی بوضوح نشان می‌دهد، اما آبرامیان چندان اشارهٔ مستقیمی به دوران زندگی و چگونگی گرویدن او به اهل تصوف و جنبه‌های مختلف شخصیت وی با استناد به اشعار و روایات و داستانهای^۶ منسوب به او نداشته و پی بردن به عمق شخصیت این قدیس صوفی را برعهده فهم و درک خوانندهٔ ناآشنا با فرهنگ و ادبیات زبان فارسی گذارده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا شایسته نبود ایشان در مقدمه کتاب خود، با توجه به تسلط و آشنایی کامل به زبان فارسی و آشنایی با این نوع اشعار عرفانی و موجود بودن منابع جهت نقد و بررسی این عارف نامدار، خود به ابعاد مختلف خصوصیت‌های اخلاقی و رفتاری او می‌پرداخت و بوسعید را بطور شفاف‌تری شخصیت‌پردازی می‌کرد؟ انتخاب اشعار بوسعید توسط آبرامیان بیشتر در قالب مضامین و موضوعات گوناگونی چون پیوستگی خداوند، میل به تشخیص راستی از کژی، زیبایی وصف‌ناپذیر عالم خلقت از منظر نگاه‌های عاشقانه و بسیاری از حالت‌های درونی و روحی می‌باشد آبرامیان معتقد است ضرورت حضور افرادی چون بوسعید موجب یافتن معشوق؛ دوست، در عرصهٔ این زندگی می‌شوند. بضاعت اندک بنده این اجازه را از شما خواننده محترم می‌خواهد تا جهت آشنایی با انتخاب اشعار و هنر آبرامیان در برگرداندن این اشعار به انگلیسی و انتقال پیام سخن بوسعید به چند نمونه از ابیات اشاره‌ای شود.

نمونه ۱

پند و اندرز و دعوت بسوی توحید و خداپرستی از جمله مواردی است که در اشعار بوسعید بسیار یافت می‌شود. در این مورد دو بیتی معروفی دارد که بدان اشاره می‌شود.

بازآ، بازآ، هرآنچه هستی بازآ
گر کافر و گرت پرستی بازآ
این درگه ما که درگه نومیدی نیست

صدبار اگر توبه شکستی بازآ
Come back. Come back, no matter what you
think you are.
An idol worshiper? A non-believer
Come back.
This gate, no one leave hopeless
if you have broken your vows ten thousand